یادداشت

ضرورت تصمیمات فرابخشی

حامد مظاهریان

بخش مسکن از اواسط سال ۱۳۹۲ تا ماه‌های پایانی سال ۱۳۹۶ از یک طرف بنا به دلایلی همچون رکود در کل اقتصاد، نرخ بالای سود بانکی و جذب بخش قابل توجهی از نقدینگی از سوی بازار پول، حجم زیاد خانه‌های خالی و قفل شدن منابع مالی در این خانه‌ها و... با کاهش در حجم فعالیت‌های واقعی و ساخت‌وساز مواجه شده بود و از طرف دیگر با کنترل انتظارات تورمی، شاخص‌های قیمتی در بازار خرید و فروش مسکن و اجاره با ثبات نسبی مواجه بود. به‌طوری که در این دوره، قیمت مسکن سالانه حدود ۱۰ درصد و شاخص اجاره بها حدود ۱۳ درصد افزایش یافته است. در صورتی که در بازه زمانی بلندمدت بین سال‌های ۱۳۷۰ تا پایان سال ۱۳۹۶ نرخ رشد سالانه اجاره بها و قیمت مسکن حدود ۲۰ درصد بوده است.

ولی از ماه‌های پایانی سال ۱۳۹۶ در حالی که پیش بینی می‌شد شاخص‌های قیمت در بازار مسکن با شیب ملایمی افزایش یابند، به دلیل برخی تغییر و تحولات روی داده در فضای بین‌المللی علیه کشورمان و به تبع آن افزایش قابل توجه نرخ ارز و تغییر انتظارات تورمی، شاخص‌های قیمت در عمده بازارها از جمله بازار مسکن و اجاره، به‌طور نسبی با افزایش مواجه شدند. بر این اساس و با لحاظ برخی چالش‌های موجود در بخش مسکن از جمله وجود تقاضای سوداگرانه به‌خصوص در حوزه زمین، عدم تطابق الگوی عرضه و تقاضای مسکن و...، برای تعادل‌بخشی و ایجاد ثبات نسبی در بازار مسکن، راهکارهایی از سوی کارشناسان وزارت راه‌وشهرسازی اندیشیده و برای اخذ نظر متخصصان و فعالان حوزه مسکن ارائه شد و مقرر است با توجه به نظرات اخذ شده، بسته اجرایی مربوطه، تهیه و پس از تایید و تصویب مراجع ذی‌صلاح، اجرا شود. ضمنا همزمان با تحولات روی داده در قیمت مسکن و اجاره بها، برخی اشخاص از حوزه‌های مختلف، به ارائه راهکارهایی همچون قیمت‌گذاری پرداختند که این راهکارها با توجه به شرایط ویژه بخش مسکن همچون غیرهمگن بودن واحدهای مسکونی موجود، ضمن اینکه غیراجرایی هستند و زمینه بروز فساد را مهیا می‌کنند، در میان مدت و بلندمدت منجر به خروج سرمایه‌گذاران و فعالان از حوزه مسکن و به تبع آن ایجاد عدم تعادل در عرضه و تقاضا و افزایش شدیدتر قیمت مسکن می‌شوند. مضافا اینکه راهکارهایی همچون قیمت‌گذاری، حقوق مالکیت را نیز با خدشه مواجه می‌کنند. بنابراین در راهکارهای ارائه شده از سوی وزارت راه‌وشهرسازی سعی شده است ملاحظاتی همچون عدم تخطی از اصول و قواعد بازار، عدم ورود دولت به حوزه تصدیگری و اجرا در حوزه مسکن، رعایت حقوق مالکیت و به‌طور کلی پرهیز از رفتار هیجانی مد نظر قرار گیرد. زیرا کارشناسان این حوزه معتقدند اجرای هر گونه راهکاری بدون لحاظ موارد فوق، هرچند ممکن است در کوتاه‌مدت برخی مشکلات حوزه مسکن را تا حدودی حل کند. ولی همانگونه که ذکر شد، می‌توانند در بلندمدت منجر به ایجاد عدم تعادل شدید در بخش مسکن و افزایش قیمت بیشتر در این بخش شوند. با در نظر گرفتن مباحث و ملاحضات فوق‌الذکر، بسته‌ای مشتمل بر ۹ راهکار با رویکرد حمایت از تولید واحدهای مسکونی کوچک متراژ و منطبق با الگوی مصرف، حمایت از مستاجران، کنترل سوداگری در بازار زمین، تقویت بازار پیش فروش، تسریع در اجرای برنامه بازآفرینی و نوسازی بافت‌های فرسوده و افزایش رقابت در بازار مسکن و... تهیه شد که هدف کلان آن حمایت از سمت عرضه به منظور تعادل بخشی به بازار مسکن و ایجاد تحرک در فعالیت‌های حقیقی حوزه مسکن با استفاده از ابزارهای مختلف است. نکته مهم در خصوص بسته فوق‌الذکر این است که نمی‌توان انتظار داشت با استفاده از این بسته همه مسائل و مشکلات حوزه مسکن حل و فصل شود زیرا که اصولا سهم بالایی از مشکلات این حوزه، متاثر از شرایط کلان اقتصادی همچون نرخ رشد بالای نقدینگی و به تبع آن وجود تورم عمومی بالا، رشد پایین درآمد ملی و عدم افزایش مطلوب درآمد خانوار، مشکلات حوزه بانکی و هزینه بالای تامین مالی در کشور، عدم وجود فضای مناسب کسب‌وکار و غالب بودن فضای سوداگری در اقتصاد کشور است و بدون حل این مسائل در فضای کلان اقتصادی کشور نمی‌توان از بخش‌های مختلف اقتصادی کشور از جمله بخش مسکن، انتظار کنترل نوسانات و ثبات قیمتی پایدار را داشت.



سنگ‌هایی که به پای صنعت برق بسته شده است

خاموشی، گواه روشن بی‌کفایتی

PDF Compressor Free Version



امین قلعه‌ای

«امروز شرکت‌های بزرگ ما در صنعت برق با یک چهارم ظرفیت مشغول فعالیت هستند. بر اساس ماده ۶ قانون حمایت از صنعت برق، این صنعت ۲۵ هزار میلیارد تومان از دولت طلبکار می‌شود. وقتی وزارت نیرو نتواند طلب‌هایش را بگیرد، سرمایه‌گذاری انجام نمی‌شود، در نتیجه این امر پروژه و کار جدیدی تعریف نمی‌شود. در این شرایط شرکت‌های فعال مجبور به اخذ تسهیلات گران‌قیمت و تعدیل نیرو می‌شوند، در ادامه از بازپرداخت تسهیلات ناتوان می‌شوند و از طرف بانک تحت فشار قرار می‌گیرند و ورشکست می‌شوند. این مسائل تبعات غیرواقعی قیمت برق است. متاسفانه در قانون بودجه ۹۷ نیز این امر اتفاق نیفتاد. قیمت برق باید با یک شیب ملایم و بر اساس نرخ تورم افزایش یابد. دقت کنیم تورم بر تمام نهاده‌های تولید برق از نیروگاه تا خطوط انتقال و شبکه توزیع تاثیر می‌گذارد اما در چند سال اخیر تاثیری بر قیمت برق نگذاشته است.» این جملات بخشی از اظهارات پیام باقری نایب رئیس صنعت سندیکای صنعت است که سال گذشته در گفت و گو با یکی از خبرگزاری بیان شده بود. حالا با گذشت چند ماه از این اظهارات، بروز خاموشی اخیر به خوبی نشان داد که صنعت برق ایران با چه مصائبی روبرو است. مصائبی که تا پیش از این کمتر در زندگی روزمره شهروندان بروز نمود می یافت. حالا قطع گاه و بی گاه، زندگی روزمره در در کلان شهر ها و شهرهای کوچک و بزرگ را با اختلالات جدی مواجه کرده است.

قیمت تکلیفی بلای جان صنعت برق

رفتارهای غیر اقتصادی در حوزه انرژی و بخصوص صنعت برق در کشور ما از سابقه‌ای طولانی برخوردار است. به نحوی که به اذعان بسیاری از آگاهان بهای انرژی در ایران نسبت به سایر نقاط جهان و حتی کشورهای همسایه و نفتی ما همواره از معیارهای اقتصادی فاصله داشته است. غیر واقعی بودن قیمت برق در در سال های اخیر اما پیامدهای جدی برای این صنعت و فعالین حوزه برق در بخش های مختلف بدنبال داشته است. آنچنان که اهداف پیش بینی شده در قانون برنامه پنجم توسعه برای افزایش سالانه ۵۰۰۰ مگاوات برق توسط این صنعت محقق نشده و بخش خصوصی فعال در صنعت برای حفظ تولید در میزان فعلی با مشکلات جدی مواجه است. علی بخشی رئیس هیات مدیره سنیدکای صنعت برق در نشست خبری اخیر این سندیکا در مورد مصائب بخش خصوصی فعال در صنعت برق گفت:« متاسفانه در چند سال گذشته شرکت‌های زیادی را از دست دادیم، تولیدکنندگان بسیاری تعطیل و ورشکسته شدند که شاید اگر کمی نگاه منصفانه به بخش خصوصی وجود داشت این اتفاق نمی افتاد.» بخشی در ادامه افزود:«عمده قراردادهای فعالان بخش خصوصی صنعت برق با دولت است. در متن این قراردادها بخش خصوصی باید تمام ریسک محتمل بر پروژه را تقبل کند که نتیجه آن یا از بین رفتن بخش خصوصی و یا اجرایی نشدن قرارداد است. وقتی قرارداد اجرایی نمی‌شود زیرساخت‌ها دچار مشکل خواهد شد و مشکلات و خاموشی‌هایی که امروز شاهد آن هستیم، تنها بخشی از پیامدهای آن خواهد بود. اگر کار را در صنعت برق با همین روال پیش ببریم، تابستان سال آینده با خاموشی‌های گسترده‌تری مواجه خواهیم بود.»

هشدارهایی که به آن توجهی نشد

علت العلل خاموشی های اخیر در کشور را باید در بروز نابسامانی شدید در اقتصاد این صنعت به حساب آورد. این موضوع خود ناشی از قیمت‌های غیر واقعی برق در کشور ماست. تفاوت شدید میان بهای تمام شده برق تولید شده در نیروگاه‌های کشور از یک سو سر مایه گذاران در این حوزه را با زیان‌های بزرگ مواجه کرده است و از سوی دیگر سرمایه گذاری سالانه در این صنعت را به تاخیر انداخته است. پیام باقری نایب رئیس سندیکای صنعت برق در این مورد می گوید:«نایب رئیس هیات مدیره سندیکا تصریح کرد: در حال حاضر تفاوت چشمگیری بین قیمت تمام شده و قیمت فروش برق وجود دارد. به دلیل آنکه در اقتصاد دولتی و نفتی طبیعتا نرخ به صورت دستوری تعیین می‌شود و این نحوه تعیین نرخ، سبب شده که تراز مالی وزات نیرو و صنعت برق همواره منفی باشد و مصداق این موضوع بدهی ۳۰ هزار میلیارد ریالی وزارت نیرو به بخش خصوصی صنعت برق است. اعضای سندیکای صنعت برق گرفتار مطالبات هستند، این شرکت‌ها نه تنها نمی‌توانند اصل مطالبات خود را دریافت کنند بلکه برای جبران مافات این شرایط مجبور هستند برای تامین سرمایه در گردش خود سراغ بازار پول بروند.» این عضو فعال سندیکای صنعت برق در ادامه در مورد ریشه اصلی گرفتاری‌های این صنعت گفت:«ریشه مشکلات صنعت برق در اقتصاد برق است؛ و خاموشی‌های امروز نتیجه این اقتصاد معیوب است به‌طوری که منابع مالی در اختیار شرکت‌های برق قرار نمی گیرد لذا آماده‌سازی شبکه‌های تولید، توزیع و انتقال انجام نمی‌شود و تولید از تقاضا جا می‌ماند. ما هشدار در خصوص خاموشی‌ها را از سال‌های قبل اعلام کرده بودیم.» وی با تاکید بر اینکه صنعت برق سهمیه‌ای برای پرداخت یارانه‌ها داشت که می‌بایست ماهیانه ۱۸۰ میلیارد تومان پرداخت می کرد، ادامه داد از اواسط سال ۹۵ این صنعت به دلیل اینکه از حوزه توسعه جا ماند و منابعی نداشت، از پرداخت معاف شد اما در اواخر سال ۹۶ مجددا بدون اینکه مسئولان این صنعت در جریان باشند منابعی برای هدفمندی برداشت شد و مبلغ ۱۱۰۰ میلیارد تومان از منابعی که متعلق به بخش پیمانکاری و بخش خصوصی بود به دلیل کم لطفی سازمان مدیریت، صرف هزینه‌های جاری دولت شد.»

اقتصاد ایران مملو از عدم‌النفع است. یکی از این عدم‌النفع‌ها مربوط به صنعت برق است. در حالی که می‌توان به قطب صادارت برق تبدیل شود ولی متاسفانه دیدگاه‌های کوتاه‌بینانه مانع شده است

دولت و مجلس به کدام قوانین بی توجهی کردند؟

همانطور که گفته شد علی رغم هشدارهای فعالان حوزه برق به مسئولین در مورد خطر ورشکستگی صنعت برق، متاسفانه مسئولین توجهی به آنها نکردند. با این حال اما مرور قوانین موجود در کشور به خوبی نشان می دهد که تصمیم سازان و مسئولین اجرایی در کشور از پشتوانه قانونی کافی برای ممانعت از تحمیل گزاره‌های غیر اقتصادی به این صنعت بر خودار بوده‌اند. نایب رئیس سندیکای صنعت برق در این مورد می گوید:«ما برای جبران آثار تفاوت قیمت از ظرفیت‌های قانونی خوبی برخوردار هستیم، در طرح هدفمندی یارانه‌ها بنا بر این بود که قیمت حامل های انرژی در طول برنامه پنجم توسعه به قیمت واقعی خود برسد که متاسفانه هنوز هم محقق نشده است. ولت طبق قانون هدفمندی، برای افزایش قیمت برق نیازی به مجوز ندارد. لذا ۷۱ درصد (معادل ۴۶ ریال) به قیمت برق اضافه شد که با ۲۴۰ میلیارد کیلووات ساعت تولید، ۱۱۰۰ میلیارد تومان درآمدزایی برای وزارت نیرو ایجاد کرد. افزایش قیمت برق، ماهیانه ۱۱۵۰ تومان به ازای هر نفر است. این افزایش بار سنگینی بر دوش خانواده ها نمی گذارد اما درآمد حاصل از آن می تواند بار سنگینی از دوش صنعت برق بردارد.» باقری در ادامه در مورد راهکار قانونی پرداخت مابه التفاوت بهاری تمام شده برق با قیمت تکلیفی این محصول گفت:«بعد از تصویب قانون حمایت از صنعت برق در سال ۹۴ و بر اساس ماده شش این قانون، بنا شد تفاوت قیمت فروش برق و قیمت تکلیفی که عدد قابل ملاحظه‌ای هم هست در اختیار وزارت نیرو قرار بگیرد تا این وزارتخانه با این درآمد بدهی خود را به پیمانکاران و سیستم بانکی پرداخت کند که متاسفانه این امر هم محقق نشده است.»

اگر کار را در صنعت برق با همین روال پیش ببریم، تابستان سال آینده با خاموشی‌های گسترده‌تری مواجه خواهیم بود

صادارت؛ فرصتی که به تهدید تبدیل شد

صنعت برق ایران علی رغم گرفتاری های مربوط به غیر واقعی بودن قیمت‌ها از پتانسیل بالا برای رشد و خودگرانی برخوردار است. ادبیات این مرز و بوم مملو از داستان‌های واقعی و تمثیلی در مورد گنج است. گنج ثروتی هنگفت و چشم ناپوشیدنی است که بر سر دستیابی به آن، نزاع‌های کوچک و بزرگی روی می‌داد. همین امروز نیز اقتصادهای بزرگ جهان از داشته‌های خود به مثابه گنج نگهداری و مراقبت می کنند. برق گنج پنهان اقتصاد ایران است. گنجی فراموش شده که می تواند بخشی از مشکلات اقتصادی کشور را حل کند. ایران می تواند به مرکز مبادلات برق منطقه تبدیل شود. این موضوع خود به مثابه فرصتی برای کسب درآمدارزی و اشتغال زایی در کشور است. فرصتی که حالا به دلیل بی توجهی مسئولان به سرعت در حال از دست رفتن است. واقعیت این است که صنعت برق ایران باوجود برخورداری از استعداد مناسب برای گسترش نفوذ کشورمان به دلیل بخشی‌نگری، فقدان دیدگاه بلندمدت و عدم اجرای قوانین متعددی که در این حوزه وضع شده است، امروز در شرایط مناسبی به سر نمی‌برد. از یک سو اصرار به تثبیت قیمت این حامل انرژی و عدم پرداخت بدهی‌ها از سوی دولت، سرمایه‌گذاری در این بخش از اقتصاد را با بحران مواجه کرده و از سوی دیگر تنگناهای قانونی و فقدان راهبرد مشخص در حوزه صادرات، مانع از شکوفا شدن استعدادهای صنعت برق شده است. خروج از وضعیت رکود نیازمند ابتکار است. صادرات می تواند ابتکار مناسبی برای بهبود شرایط صنعت برق و حتی اقتصاد ایران باشد. یکی از شاخصه‌های صنعت برق ظرفیت بالای آن در حوزه صادرات است. در حقیقت باید گفت که صنعت برق در حوزه صادرات در رأس هرم ارزش افزوده قرار دارد. واقعیت این است که ایران به دلیل موقعیت جغرافیایی و شرایط اقتصادی کشورهای همسایه و پتانسیل‌های محدود آن‌ها از قابلیت تبدیل شدن به هاب انرژی برخوردار است که البته این خود در اسناد بالادستی و قوانین توسعه‌ای کشور مورد تاکید قرار گرفته است.

ایران می تواند به هاب برق منطقه تبدیل شود؛ هاب در اصلاح به مرکز مبادلات گفته می شود. چهارراهی برای ورود و خروج برق که علاوه بر صادرات و واردات از مسیر احداث نیروگاه‌های جدید، ایجاد خطوط انتقال و پست‌های توزیع، دریافت حق ترانزیت، افزایش تولید تجهیزات صنعت و حتی صادرات خدمات فنی و مهندسی، درآمد سرشار ارزی در کنار اشتغال‌زایی فراوان را نصیب کشور می کند. نایب رییس سندکای صنعت برق در این مورد می گوید:« ما در زمستان می‌توانیم برق خود را به همسایگان شمالی که در پیک مصرف قراردارند، صادر کنیم و در تابستان از آن‌ها برق بگیریم. همچنین برق خود را از مسیر گرجستان به اروپا صادر کنیم .صادارت برق به کشورهای دیگر علاوه بر درآمدهای سرشار ارزی و اشتغال به افزایش قدرت نفوذ کشورمان در منطقه و جهان تبدیل می‌شود». باقری در ادامه با اشاره به سفر رییس جمهوری به کشور هندوستان بیان می کند:«در حالی که کشور هندوستان از جمله متقاضیان برق ایران بوده و در دولت قبل تفاهمنامه‌ای میان دو کشور برای صادرات برق به این کشور از مسیر پاکستان امضا شده بود، متاسفانه هیچ نماینده‌ای از صنعت برق رییس جمهور را همراهی نکرده است. این وضعیت در مورد نشست بازسازی عراق که با حضور هیات بلندپایه ایران در سطح وزیر خارجه بود، نیز وجود داشت. متاسفانه در انجام این سفرها هیچ برنامه مشخص و مدونی برای همراهی تیم‌های اقتصادی در زمینه‌های مساعد همکاری وجود ندارد و این از ضعف‌های کشور ماست».

علت‌العلل خاموشی‌های اخیر در کشور را باید در بروز نابسامانی شدید در اقتصاد این صنعت به حساب آورد. این موضوع خود ناشی از قیمت‌های غیر واقعی برق در کشور ماست. تفاوت شدید میان بهای تمام‌شده برق تولید شده در نیروگاه‌های کشور از یک سو سرمایه‌گذاران در این حوزه را با زیان‌های بزرگ مواجه کرده است و از سوی دیگر سرمایه‌گذاری سالانه در این صنعت را به تاخیر انداخته است

موانع صادرات برق چیست؟

«اقتصاد ایران مملو از عدم‌النفع است. یکی از این عدم‌النفع‌ها مربوط به صنعت برق است. در حالی که می‌تواند به قطب صادارت برق تبدیل شود ولی متاسفانه دیدگاه‌های کوتاه‌بینانه مانع شده است». این جملات بخشی از گفته‌های حمیدرضا صالحی، دبیر فدراسیون صادرات انرژی است. او در این خصوص می گوید:«ما امروز ۷۷ هزار مگاوات تولید برق داریم، در حالی که نرم مصرف به طور سالانه در حد ۳۶ هزار مگاوات است. می توانیم از ظرفیت‌های خالی مانده استفاده کنیم. ایران استعداد تبدیل شدن به هاب انرژی را دارد. صادرات برق باید توسط بخش خصوصی انجام شود؛ چرا که دولت مثل سایر امور تاجر خوبی نیز نیست. همین امروز که دولت صادر کننده برق به عراق است، نمی‌تواند پول آن را بگیرد؛ بنابراین باید اجازه بدهند که بخش خصوصی وارد شود. ما در حال حاضر ۱۴۰۰ مگاوات برق به ارزش یک میلیارد دلار به عراق صادر می کنیم؛ در حالی که بخش خصوصی می‌تواند میزان درآمد را هم اکنون به ۱۵ میلیارد دلار افزایش دهد» در بحث صادرات مخالفت‌ها به بهانه ارائه سوخت یارانه‌ای به نیروگاه‌های بخش خصوصی صورت می گیرد. این در حالی است که تا پیش از کمبودهای اخیر، خود وزارت نیرو به عراق برق صادر می کرد و البته نمی‌توانست پول آن را به دلیل گرفتاری‌های سیستم دولتی به موقع دریافت کند. پیام باقری، نایب رییس سندیکای صنعت برق نیز در خصوص دلایل عدم اتخاذ رویکرد مناسب برای صادارت برق می گوید:« دو عامل در این موضوع موثر است؛ عامل اول فقدان نگاه فرابخشی به موضوع است. متاسفانه هماهنگی مناسب میان وزارت نفت و وزارت نیرو برای محاسبه نرخ خوراک نیروگاهی وجود ندارد. با توجه به اینکه گاز می تواند مزیت نسبی تولید در کشور ما باشد، می تواند نرخ خوراک گاز نیروگاهی را مشابه پتروشیمی‌ها محاسبه و راه را برای توسعه صادارت برق باز کند. عامل دوم مربوط به وزارت نیرو است که متاسفانه به بخش خصوصی به چشم رقیب نگاه می کند؛ در حالی که این وزارتخانه باید نقش رگولاتور در صنعت برق را ایفا کند و البته از مسیر سیم‌داری و استفاده از خطوط انتقال و شبکه برق کشور حق ترانزیت و حتی مالیات دریافت کند».